

[ترجمه دکتر مهدی ناصری (استاد یار دانشگاه قم)]

به مناسبت گذشت چهارده قرن از میلاد امام علی (علیه السلام) در رجب سال ۱۳۷۶ هجری قمری، جشنواره‌ای به ریاست عالیجناب مه‌اراج محمد امیر احمد محمدی در کراچی برگزار شد. امیر، در محضر شیخ آقا بزرگ تهرانی شرف حضور یافته و از ایشان تقاضا کردند تا در این جشن حضور یابند، ولی آقا بزرگ به خاطر کسالتی که داشتند پوزش خواستند و به ناچار - و به تقاضای امیر - مطلبی را به این مناسبت به رشته تحریر در آورده و مجله معارف را برای چاپ آن برگزیدند. از این رو ما از محبت پدرانۀ ایشان، کمال تقدیر و تشکر را داشته و از خداوند منان می‌خواهیم که برکت وجود ایشان را مستدام بگرداند.

مرقومه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی

بی‌تردید جهان در حال پیشرفت مستمر بوده و سیطرۀ عقل بشری بر زندگی انسان، به بالاترین اندازه خود رسیده است و این امر سبب گشته تا بسیاری از دشواری‌های زندگی از دوش انسان برداشته شده و به یاری پیشرفت‌ها و اختراعات جدید، بیشتر مشکلات زندگی برطرف گردد. هنوز این پیشرفت‌ها ادامه دارد و هنوز آسایش، در حال سیطره یافتن بر اندیشه‌ها و آسودگی خاطر، در حال رخنه کردن در درون انسان‌هاست. اما با این وجود، این پیشرفت با همه ابعاد گوناگونش، تنها در امور طبیعی و مادی صورت پذیرفته است، به گونه‌ای که در مسائل روحی و معنوی هرگز اثری از این پیشرفت دیده نمی‌شود، بلکه بالعکس در این زمینه شاهد عقب افتادگی ملموس و پست‌رفتی عظیم هستیم، چرا که پیشرفت مدنی حاضر، تنها در ظواهر و صورت‌ها تحقق یافته است و روح و عاطفۀ انسانی، عزت نفس، مناعت طبع و بزرگ منشی را از انسان سلب کرده است. آیا با این وجود باز می‌توانیم این تحولات و دگرگونی‌ها را تجدید و مدنیت بنامیم.

انسان نباید بر اساس ظواهر امور، دست به قضاوت زند و نباید فریب عناوین زیبا و خوش آب و رنگ را بخورد. و نباید ظواهر جذاب و تبلیغات توخالی را باور کرده و نباید با خواهش‌های نفسانی مردم همراه گشته و خود را در پرتگاه‌های نابودی بیندازد. بلکه انسان باید به حقیقت امور نگاه کرده و به اصل و نتیجه آن پی ببرد، و هرگز پیش از آزمون و بررسی‌های لازم از

افکار عمومی پیروی ننماید، چرا که در اغلب موارد، افکار عمومی نمایندهٔ حق و حقیقت نیست بلکه این افکار در واقع زائیدهٔ تقلید بوده و تقلید نیز از غرایز انسانی است.

جای تأسف است که بیشتر انسان‌های این عصر، اجسامی بدون روح و تهی از شعور انسانی گشته‌اند. تهی از مهربانی، شرف، زندگی، جوانمردی و هر آنچه از ویژگی‌های یک انسان کامل است. روزگار، نابسامان شده و خوی وحشی‌گری در انسان‌ها آشکار گشته است. اگر صفحات تاریخ را ورق بزی و انسان دیروز را با انسان امروز مقایسه کنی، شکاف بزرگ و تفاوت بسیاری میان آن دو می‌بینی، و در می‌یابی که انسانیت و عزت نفسی که انسان دیروز به آن آراسته بود، از بین رفته و عواطف پاک و بلند مرتبهٔ انسانی نیز، معدوم گشته و دیگر خبری از آن نیست. اکنون این چهرهٔ زشت و کربه نفس که پیش از این در پس صفات زیبا، پنهان گشته بود، خود نمای می‌کند. همه این مسائل از برکات مدنیت جدید است که از دین به اندازهٔ آسمان تا زمین دور گشته و به پوسته چسبیده و مغز را رها کرده است.

از زمان‌های بسیار دور، اختلافی پیرامون قوانین شرع و سنت‌های دین در میان دانشمندان وجود داشته است. بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر این باور بوده‌اند که نظام دینی، قادر نیست سعادت انسان و حقوق فردی وی را تضمین کند، و برای این نظر خود توجیحات پوچ و استدلال‌های بی‌اساسی را ارائه کرده‌اند و در این راستا طرفدارانی را برای این باور خویش پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که اغلب مردم آن عصر بر این باور گشتند که تشریح دینی و اجرای آن بی‌فایده و بی‌ثمر است.

ما با ابراز تأسف شدید نسبت به این نظریهٔ احمقانه اعلام می‌کنیم: اگر انسان در این مورد تأمل بیشتری داشته باشد و از نگاه یک پژوهشگری که به دنبال حقیقت است به قضیه نگاه کند و گفته‌های حامیان نظام دینی و گفته‌های مدافعین نظام مدنی را در دو کفهٔ ترازو قرار دهد و در این میان با انصاف و عقلانیت به مقایسه این دو نظام بپردازد، خود را در مقابل یک حقیقت درخشان انکار ناپذیر می‌یابد که به هیچ وجه قابل تکذیب نیست، و به یقین خواهد دانست که نظام مدنی جدید، هرگز قادر نخواهد بود اشرار را از ارتکاب جرم و جنایت بازدارد، امری که امروزه در کشورهای غربی‌ای که این نوع از نظام در آنها ساری و جاری است، شاهد آن هستیم. این کشورها با این نظام مدنیت خود به هیچ عنوان به کمال نرسیده و به هیچ عنوان نتوانسته‌اند آسایش بشری و سعادت انسانی را تضمین کنند. این نظام مدنیت در هر حال یک

نظام مادی است و هرگز نمی تواند با قانون آسمانی مقایسه گردد، چرا که این گونه نظام هرگز نمی تواند به عمق روح انسانی دست پیدا کند، این در حالی است که قانون آسمانی به گونه ای است که انسان ها را از عمق وجود، خاضع و مطیع خود می گرداند، حال آنکه انجام این چنین تغییراتی در درون انسان ها با نظام های مادی و مدنی سازگاری ندارد.

همین امر، تفاوت میان این دو قانون و ویژگی منحصر به فرد قانون آسمانی است. از این رو دین، پایه و اساس سعادت بشر، و پشتوانه زندگی انسانی است. و تازمانی که انسان از اندیشه ای دینی برخوردار است از خود و دیگران در امان است و دیگران نیز از او در امان خواهند بود، چرا که دین، در بازداری و تهذیب و کاستن جرم و جنایت، اثر بخش تر و کارآمدتر از نظام بازدارندگی مدنی عمل می کند، و از طرف دیگر بُعد روحانی قانون آسمانی نیز بر بُعد مادی نظام مدنی غلبه دارد.

انسان ها تا زمانی که نظام ها و آیین های دینی خود را مقدس شمرده و شعایر دینی را اجرا می کنند و تا زمانی که دین در میان آنها از جایگاه رفیع و والایی برخوردار است، در خیر و برکت به سر خواهند برد. و کدامین آیین دینی، برتر و والاتر از بزرگداشت سالروز میلاد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است؟ شیر خدا، شیر رسول و قهرمان اسلام، که اگر بذل مجاهدت ها و مبارزات او نبود، پایه ها و ارکان دین اسلامی هرگز برافراشته و استوار نمی گشت. خدا رحمت کند شاعر و عالم مشهور قرن هشتم حله «حافظ بُرسی حلی» را که در منقبت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این گونه سروده است:

ای کسی که هرگاه صفات پسندیده و نیک غیر او را بشمرند، باز هم صفات و مناقب نیک او سنگینی می کند و او برترین خواهد بود.
من کسانی را که بر تو رشک می ورزند، معذور می دارم چرا که پروردگار بلند مرتبهات، تو را صاحب اختیار و صاحب امر و ولایت نموده است.
اگر آنان بر بزرگی و بلند مرتبگی تو رشک بورزند، طبیعی است، چرا که همواره انسان های پست و پایین مرتبه، به انسان های برتر و والاتر از خود، رشک می ورزند.

امام علی (علیه السلام) شخصیت عظیمی است که از صدر اسلام تا کنون، قلم های مورخین و روایان پیرامون او چرخیده و تحلیل های علمی و فنی گوناگونی در مورد ایشان به اقتضای هر عصر،

انجام پذیرفته است. و تلاش گشته است تا صورت و سیرت درخشان ایشان، از جنبه‌های مختلف آشکار گردد. این شخصیت جذاب همواره مورد توجه اندیشمندان و دانشمندان بزرگ همه ملت‌ها و ادیان و عصرها و نسل‌ها بوده و هر کس به قدر توان و دانش خود ابعادی از این شخصیت بی نظیر را تحلیل و بررسی نموده و دلو خود را از دریای معرفت ایشان پر کرده است. این از آن روست که شخصیت امیر المؤمنین (علیه السلام) ابعاد مختلفی داشته و همه صفات و فضایل نیک و ایده آل را در خود جای داده، و همه صفات رفیع و بلند مرتبه را در بر گرفته است. برای نمونه علم، ویژگی‌ای است که انسان با کسب آن، مورد احترام دیگران قرار می‌گیرد و به همین شکل ویژگی‌هایی همانند: ادب و سیاست و سایر صفاتی که دارنده آن مورد تجلیل و احترام دیگران قرار گرفته و در نظر مردم والا و بلند مرتبه می‌گردد، به گونه‌ای که موضوع سخن هر مجلسی گشته و به جایی می‌رسد که اندیشه‌های او جایگاه والایی را در دنیا کسب کرده و محور سخن و اندیشه دیگران گردد. و از سوی دیگر نامش در روزگارش ماندگار گشته و شهره آفاق می‌گردد و انسان تنها به خاطر مزین شدن به یکی از این صفات، به همه این نتایج خوب چه در طی زندگی و چه پس از مرگش دست می‌یابد. در این راستا شخصیت بی نظیری چون جانشین پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) چه جایگاه رفیعی پیدا می‌کند. او که علم و ادب، فصاحت و بلاغت، سیاست و شجاعت، تقوی و زهد، و کرامت و بردباری و ... را یک جا جمع کرده است. امام علی (علیه السلام) تمامی این صفات نیکو را یک جا جمع کرده است. تاریخ، نام‌های اندکی را برای ما روایت می‌کند که به خاطر صفات و استعدادهای نیک خود، در روزگاری ماندگار گشته‌اند، ولی هرگز نمی‌تواند شخصیتی را پس از نبی اکرم ذکر کند که در عظمت و بزرگی به جایگاه علی (علیه السلام) رسیده باشد. شخصیتی که عقل بشر در بزرگی و عظمت او مات و مبهوت گشته است و نوابغ و فلاسفه شرق و غرب در طی قرون متمادی، گواهی به عظمت و رفعت او داده‌اند. در جهان، پس از نزول وحی الهی هرگز کتابی بسان نهج البلاغه به منصف ظهور نیامده است، کتاب آسمانی که تو را از نهج علم و عمل آگاه می‌سازد و بوی سخن رسول الله را می‌دهد و به واقع صدف مرواریدهای حکمت، مخزن یاقوت‌های سخن و اندرزه‌های والایی است که دل‌ها را مجذوب خود می‌کند. کلمات قصار آن تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت، و نماینده حق و حقیقت برای جویندگان آن، و راهنمای هوشمندان به سوی هوشمندی، سیاست و سروری است. این شأن و منزلت نهج البلاغه است که عارفان در ساحت آن معتکف گشته و پژوهندگان در کنه آن فرو رفته‌اند و در شرح و تفسیر

آن، کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری به رشتهٔ تحریر در آمده است. این کتاب ارزشمند به زبان‌ها بسیاری برگردان شده و اهل هر زبانی از دریای بی کرانش به قدر توان خود از آن بهره‌مند گشته‌اند که ما به این مطلب در کتاب خود *الذریعة الی تصانیف الشیعة* اشاره کرده‌ایم. بسیار جای تأسف دارد که بیگانگان از این کتاب به عنوان راهنما و راه روشن خود استفاده کرده‌اند در حالی که ما مسلمانان هنوز اصرار و پافشاری در کم ارزش نشان دادن کرامت این کتاب داشته و تلاش می‌کنیم تا این سخنان را از آن امام علی (علیه السلام) ندانیم. علی (علیه السلام) به تمامی ابعاد زندگی در نهج البلاغه پرداخته و حقیقت آن را روش نموده است و ارتباط زندگی با دین، اخلاق، جامعه، سیاست، اقتصاد و ... را نیز به روشنی بیان داشته است. و هنوز ما شاهد آن هستیم که روزگار و فراز و فرودهایش مهر تأیید بر اخبار و حقیقت سخنان ایشان می‌زند و صدق آنچه را که او به سبب سوء عاقبت از آن نهی کرده است، نشان می‌دهد. امام (علیه السلام) در همین باره این چنین می‌فرماید:

پس از من بر شما روزگاری خواهد آمد که در آن هیچ چیز پنهان‌تر از حق نباشد و هیچ چیز آشکارتر از باطل نبود و دروغ بستن به خدا و پیامبرش بر هر چیز دیگری فزونی گیرد. در نزد مردم آن زمان، کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست، اگر آن را چنان که باید بخوانند، و باز کالایی پرسودتر از قرآن نخواهد بود، اگر معنی‌اش را تحریف کنند. در سراسر بلاد، چیزی ناشناخته‌تر از کار نیک و شناخته‌تر از زشتکاری نباشد. حاملان قرآن، قرآن را واگذارند، و حافظان قرآن، قرآن را فراموش کنند. از این رو قرآن و قرآنیان راستین، دو تبعیدی آواره‌اند که هر دو در یک راه روان باشند و هیچ کسی پناهشان ندهد ...

و به این سخن وی گوش فرا دهید که در مورد تقسیم مردان جامعهٔ انسانی، که مدار صلاح و تباهی انسانند این چنین می‌گوید:

صلاح عامه از صلاح خواص مردم است، و خاصه هم به پنج قسمت تقسیم می‌شوند:

اول، علما و آنها رهبران خلقند به سوی خدا؛

دوم، زهاد که آنها راه‌های هدایتند؛

سوم، تجار که آنها امین خدایند بر بندگان؛

چهارم، لشکریان جهادگر که آنها یاوران دین خدایند؛ پنجم، حکام و فرمانروایان که آنها پاسبان و حافظ خلقند.

پس اگر عالم، مردی باشد طمعکار و مال اندوز، پس چه کسی راهنمای راه خداوندی باشد؟! و اگر زاهد دل به دنیا بندد، پس به چه کسی اقتداء شود؟! و اگر بازرگان خیانت پیشه باشد، به چه کسی اطمینان حاصل شود؟! و اگر لشکری جهادگر، ریاکار و هدفش کسب مال و منال دنیا باشد، پس به وسیله چه کسی از مسلمانان دفاع شود؟ و اگر حاکم، ستمکار، و در حکم، ظلم و جور به راه بیندازد، پس به وسیله چه کسی مظلوم را در برابر ظالم یاری نماید؟! پس سوگند به خدا! مردم را تلف نکرد، مگر علمای طمعکار، و پارسایان متمایل به دنیا و بازرگانان خائن و لشکریان ریاکار و حکام ستمکار، و کسانی که ظلم کردند، به زودی خواهند فهمید که رو به چه سرنوشتی در دناک درحرکتند.

و نیز دیگر سخنان و اندرزهای ایشان در نهج البلاغه به همین مقدار ارزشمند و پرمغز می‌باشد. علی اینگونه است و نهج، زهد، اندرزها، و سیرت وی بدین سان می‌باشد. از این رو شایسته است که مسلمانان و غیر مسلمانان به وی افتخار کنند و در سالروز ولادتش جشن بگیرند، بویژه شیعه امامیه که سختی‌ها را در راه وی کوچک دیده و دشواری‌های بسیار راه آسان و کم می‌بینند. و خدا نیز در عوض بر آنان درود فرستاده و آنان را روسفید کرده و به تلاش آنان، پاداشی نیکو می‌دهد. از خدا می‌خواهیم که ما و آنان را بر ولایت ایشان ثابت قدم بگرداند و بر حوض وی وارد کرده و از شفاعتشان برخوردار گرداند. درود و رحمت خدا بر او و بر آنان و بر سایر برادران مؤمن ما در شرق و غرب زمین باد. سلام و درود پاک ما بر استادان و علمای اعلامی که در این محفل فاضلانه و با شرافت حضور یافته‌اند، باد. خداوند همه آنان را در انجام اعمال خیر و باقیات صالحات، موفق بدارد.

و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین، و الصلاة علی رسوله و آله الطاهیرین.

این مرقومه را با انگشتانی لرزان در سوم رجب سال ۱۳۷۶ هجری قمری در نجف اشرف به رشته تحریر در آورد.

(آقا بزرگ تهرانی)